

هوارد س. بکر و تولید اجتماعی هنر

شاپور بهیان، یکی از صاحب‌نظران مطرح در بحث اجتماعی بودن تولید، هوارد س. بکر است. همچون سایر جامعه‌شناسان در کل و مکتب کنش متقابل نمادی به خصوص، او عقیده دارد که هنر پدیده‌ای اجتماعی است و محصولات هنری دارای مبنایی اجتماعی اند. اما وجه تمایز نظرات او با سایر نظریه‌های موجود جامعه‌شناسی این است که برخلاف آنها، که بیشتر به سازمان‌ها و نظام‌های اجتماعی می‌پردازند و خود کنشگران را نادیده می‌گیرند، توجه او به پیروی از مکتبی که بیشتر به آن نزدیک است، یعنی مکتب کنش متقابل نمایان به آدم‌های واقعی، نظم و پوست و خون‌دار است. در این جا سخن نه از گشت‌ها بلکه از مردمی است که نظام‌ها را می‌سازند. برداشت بکر از هنر مبتنی بر کنش جمعی است. به عقیده او برای به وجود آمدن یک اثر هنری اعمال زیادی باید انجام بگیرد که مستلزم مساعی و همکاری بسیاری از آدم‌ها است. به عنوان مثال برای اجرای یک سمفونی تعالیمت‌های زیادی باید صورت بگیرد؛ از جمله تصنیف خود اثر، پیدا کردن آدم‌های کارکنه‌اش که از عهده نواختن نت‌ها برآیند؛ تدبیر زمان و مکان مناسب برای اجرا، تبلیغاتی که باید بشود، فروش بلیت، حضور آدم‌هایی که به این موسیقی گوش دهند و از این قبیل. در مورد سایر هنرها هم کمابیش همین را می‌توان گفت. به طور کلی فعالیت‌های ضروری برای ایجاد یک اثر، عبارتند از صنعتگری‌های فیزیکی، خلق زبان قراردادی بیان، آموزش پرسنل هنری و مخاطبینی که بتوانند آن اثر را بفهمند. به عقیده او ایجاد کامل یک اثر بدون مساعدت دیگران ناممکن است؛ چون همه هنرها مستلزم وجود شبکه‌ای از فعالیت‌های مبتنی بر همکاری اند. تقسیم کاری باید صورت بگیرد. مردمی باید وجود داشته باشند تا در ایجاد اثر شرکت کنند و از این قبیل. پس تحلیل هر اثر هنری باید در پی این باشد که در ایجاد یک اثر خاص تقسیم کار چگونه صورت گرفته است. اما تقسیم کار در هنر یک امر «طبیعی» نیست. به عنوان مثال در موسیقی رسمی سمفونیک و مجلسی، تصنیف اثر و اجرای آن دو فعل جداگانه‌اند. ممکن است پیش بایداد که فردی هر دو را هم انجام دهد. در موسیقی جاز تصنیف اثر بی اهمیت است. اجرا کننده خودش می‌سازد و اجرا می‌کند. گروه‌های راک که آثار دیگران را اجرا می‌کنند به «دسته‌های نسخه‌بردار» یا «کپی‌باندز» معروفند. همین طور عکاس‌ها اغلب خودشان عکس‌های‌شان را ظاهر می‌کنند و بعضی هم این کار را می‌دهند دیگران برایشان انجام دهند. در هیچ موردی ما تقسیم کار طبیعی نمی‌بینیم. تقسیم کار حاصل تعریفی واقعی از موقعیت است. اما همین که دست داد، همه آن را طبیعی در نظر می‌گیرند و در مقابل تلاش برای تغییر آن مقاومت می‌کنند و این تلاش را غریبه‌یی و غیرعقلانی می‌دانند. به عقیده بکر آدم‌هایی که در کار تولید یک اثر هنری اند، قصد ندارند همه چیز را از نو شروع کنند یا طریقی نو درآندازند. آنها به توافق‌های قبلی که حالا تبدیل به رسم و به بخشی از شیوه قراردادی انجام کارها در یک هنر شده است، گردن می‌گذارند. البته منظور این نیست که هیچ اثری نمی‌تواند بی نفسه به وجود آید، مگر آن که در مدار تولید اجتماعی قرار گیرد. منظور بکر این است که هر اثری برای انتشار کامل، ناچار است این الزامات را رعایت کند. مسندت هنرمندانی که به تصنیف موسیقی‌ای دست می‌زنند که اجرا شدنی نیست؛ یا شاعران و نویسندگانی که سانسور را نمی‌پذیرند و به انتشار آثارشان در حلقه‌ای محدود از دوستان و آشنایان بسنده می‌کنند. از این لحاظ، بکر مدعی است که استدلال او با دیدگاه کارکردگرایان متفاوت است که می‌گویند اثر هنری بدون وجود همکاری دیگران نمی‌تواند شکل بگیرد؛ پیاداست که اصل حرف بکر این است که یک اثر برای آن که کاملاً محقق شود نیازمند دیگران است و درباره به وجود آمدن خود اثر، به صورت فعلی انفرادی از سوی هنرمند، آنجا که واقعاً تلفقه می‌بندد، قائل به لزوم وجود همکاری از این‌گونه نیست، اما معتقد است اثر هنری در همین حال هم باز با عنایت به نظرات اجتماعی پدید می‌آید؛ به عنوان مثال رعایت قراردادهایی که برای ایجاد حداقل ارتباط ضروری اند.

عقلانیت در معرفت‌شناسی معاصر

همایش «عقلانیت در معرفت‌شناسی معاصر» ۷ بهماه اسمال در شهر شبروک از ایالت کبک کانادا برگزار می‌شود. به گزارش مهر انجمن معرفت‌شناسی کانادا برگزارکننده این همایش است، در این همایش با نام تعلق‌های متنوع و متفاوتی که در معرفت‌شناسی معاصر از عقلانیت وجوددارند به بحث گذاشته شوند. این تعلق‌ها چنان و چندان از تنوع برخوردارند که گاه به رویکردهای بدیل یکدیگر تبدیل می‌شوند. طبیعی است که موضوع این همایش بحث‌های جدی‌ای در باب نسبت گرای معرفتی و شکاکیت معرفتی به‌وجود می‌آورد.

کارگاه‌های آموزشی

تفسیر باطنی قرآن در لندن

کارگاه‌های آموزشی تفسیر باطنی قرآن، با هدف جمع‌آوری نتایج پژوهش‌های نوین در باب تفسیر باطنی قرآن با حضور جمع‌گشیری از محققان در لندن برگزار می‌شوند. به گزارش مهر، در پی برگزاری کارگاه آموزشی تفسیر باطنی قرآن در دانشگاه کمبریج که توسط دکتر آتابیل کبیر موسامزدهی و مدیریت شده است، موسامزدهی و اسماعیلی لندن و بنیاد علمی اروپایی (ESF) تصمیم به همکاری و برپایی کارگاه‌های دیگری گرفتند. در نخستین مرحله از این کارگاه دکتر دفتری، دکتر علی قطب‌الدین، دکتر فراس حمزه، دکتر تویی مایر و دکتر عمر علی دواوزگان شرکت داشتند. هدف اصلی این کارگاه آموزشی جمع‌آوری نتایج پژوهش‌های اخیر و تازه در زمینه تفسیر باطنی قرآن بود. دانشوران و محققانی از شمال آمریکا، اروپا، اورمیانه و به‌ویژه ایران و ترکیه در این کارگاه آموزشی توانستند روش‌های به کار گرفته‌شده در متون مختلف را در خصوص سنت باطنی تفسیر قرآن مقایسه کنند تا در صورت وجود هرگونه نقاط مشترک در روش‌های خود از آنها آگاه شوند. این کارگاه‌ها با همکاری موسسه مطالعات اسماعیلیایی لندن و بنیاد علمی اروپایی (ESF) برگزار می‌شوند.

خبرچین

حکمت شادان

نشست هفتگی شهر کتاب مرکزی

در قلمرو اندیشه‌های امام موسی صدر

شیمازارعی: امام موسی صدر در ۱۴ خرداد ۱۳۰۷ در قم در خانواده‌ای که از بزرگ‌ترین مراجع زمان خود بودند، دیده به جهان گشود. او پس از اتمام سیکل اول و بخش مقدمات علوم حوزوی، در سال ۱۳۲۲ رسماً به حوزه علمیه رفت و سیزده‌سال بعد در درس خارج علمای طراز اول زمان خود شرکت کرد و به مقام اجتهاد دست یافت. او علاوه بر تحصیلات حوزوی به عنوان نخستین دانشجوی روحانی به تحصیل در رشته حقوق در اقتصاد در دانشگاه تهران پرداخت. امام موسی صدر را بیش از همه به خاطر فعالیت‌های سیاسی‌اش می‌شناسند اما فعالیت‌های علمی و پژوهشی او کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به مناسبت بیست و هشتمین سال ربوده شدن امام موسی صدر نشست در شهرکتاب مرکزی برای بررسی آرا و اندیشه‌های او با توجه به دو اثر «نای و نی» و «ادیان در خدمت انسان» برگزار شد. در ابتدای این نشست علی اصغر محمدخانی با اشاره به کتاب ادیان در خدمت انسان در خصوص جایگاه امام موسی صدر تصریح کرد: یکی از ویژگی‌های او، تواندیشی و نقشی است که در حوزه‌های مختلف فقه و فرهنگ داشته است. از کارهای اولیه او تأسیس مجله مکتب اسلام بود که سردبیری اولیه آن را برعهده داشت و این مجله از جمله مجلاتی بود که تاثیر زیادی بر نسل‌های مختلف گذاشت و از مجلات شاخص قبل از انقلاب محسوب می‌شد. از

جمله نکات مورد توجه امام موسی صدر عقلانیت،

عدالت، معنویت و تاکید بر گفت‌وگو بود. پس از آن مهدی فیروزان، مدیرعامل شهرکتاب، درخصوص شخصیت امام موسی صدر اظهار داشت: شاید توجه به توصیفی که یکی از بزرگان مسیحیت درباره امام موسی صدر کرده است برای شناختی اجمالی از فکر، اندیشه و عمل امام موسی صدر به ما کمک کند. اسقف فرانسیس کونینگن، اسقف اعظم دانمارک، در ملاقاتی که دو سال پیش از ربودن امام موسی صدر با او در لیسان داشت درخصوص او گفت: به نظر من تاریخ لبنان را باید به دو دوره تقسیم کرد: تاریخ قبل از امام موسی صدر و تاریخ امام موسی صدر. به با توجه به اینکه منظومه‌های دینی به راحتی از منظومه‌های دیگر دینی تعریف و توصیف نمی‌کنند، جایگاه این حرف جایگاه بسیار عجیبی است. امام موسی صدر فردی جست‌وجوگر، بادغدغه و بسیار علاقه‌مند به انسان فارغ از دین و نژاد بود. بر اساس همین دغدغه‌هاست که

امام موسی صدر در اواخر سال ۱۳۳۸ و به دنبال توصیه‌های علمای زمان خود ایران را به سوی لبنان ترک کرد. او از همان ابتدای ورود فعالیت‌های خود را در سه حوزه موازی سازماندهی کرد: بازسازی هویت، انسجام و عزت تاریخی طایفه شیعه لبنان، پرچمداری حرکت گفت‌وگوی ادیان و تقریب مذاهب در لبنان، تأسیس جامعه مقاوم و مقاومت لبنانی در برابر تجاوز اسرائیل. امام موسی صدر در سوم شهریور سال ۱۳۵۷ و در آخرین مرحله از سفر دوره‌ای خود به کشورهای عربی، به بنا به دعوت رسمی معمر قذافی وارد لیبی و در شهر یو رمه ربهود شد. دستگاه‌های قضایی دولت‌های لبنان و ایتالیا و همچنین تحقیقات انجام شده از سوی واتیکان، ادعای رژیم لیبی را مبنی بر خروج او از آن کشور و ورودش به رم رسماً تکذیب می‌کنند. مجموعه اطلاعات به دست اندک‌مندی‌ها طی آن است که امام موسی صدر هرگز خاک لیبی را ترک نکرده است.

کشور تمدن‌ها و مکاتب مختلف و ادیان مختلف وجود دارد و به کسی که چنین دغدغه‌ای دارد کمک می‌کند تا در دل سوالات و نگرانی‌های جامعه برود و اطمینان را هم برای پاسخگویی به منابع علمی خودش داشته باشد. بنابراین امام

است. اتفاق عجیبی در حکم زندگی «انسانی» بشر است اما به موجب آدنیس، «ادعای ادیب، جامعه یا فرهنگ نوع بشر را بدل به موجوداتی ساخته که جز در راه خرسندی از تمدن‌سندی از بربریت نیز هست»، روزنامه‌ها نمایانگر هر دو بعد تمدن‌سنسلی اند. به همان اندازه که صفحه اندیشه تصویری مدنی از جامعه‌بشری به نمایش می‌گذارد، صفحه حوادث ایمازی از جامعه وحشت را برای ما تداعی می‌کند. در میان این ابعاد پلید جامعه که صفحه حوادث بازنمایی آن را بر عهده دارد، قتل نقش مهمی بازی می‌کند. صدها حوادث برای آدمی رخدادند است که زندگی را نشانه‌وار می‌کند. مفسر حوادث مملو از قتل‌هایی است که خواندن آنها بر وحشت آدمی از مردن می‌افزاید و احساس نامنی را در جامعه‌افزایش می‌دهد

است که پارمنیدس (۴۷۰ تا ۴۳۰ ق. م.) الهایی هم‌روزگار جوان‌تر هراکلیوس بوده است. مورخان فلسفه، به‌طور متعارف، نظریات پارمنیدس را در برابر نظریات هراکلیتوس قرار می‌دهند و آنها را در تقابل تام با هم ارزیابی می‌کنند. اما حقیقت آن است که پارمنیدس و هراکلیتوس، در ژرفای اندیشه خود، چنین تقابل سینه‌بندای یا یکدیگر ندارند و اندیشه آنها به جهات مختلفی، تقارن فراوانی با هم دارد. زمینه چنین تقابلی میان پارمنیدس و هراکلیتوس به فراموشی، نه بهای نوعی تقلیل و تحریف اندیشگی آنها می‌شود. از رهگذار چنین تقلیل و تحریفی، هراکلیتوس به «کثرت‌گرایی» و «تغییر مدام» فرمان می‌دهد و در نقطه مقابل، پارمنیدس به «وحدت‌گرایی» و «ثبات محض» فتوا می‌دهد. اما چنانچه‌شان داده‌شد، هراکلیتوس قائل به «وحدت در بین کثرت» و «ثبات در بین تغییر» است. در واقع، کثرت محض و تغییر مدام برداشت یکسوی شاگردان و پیروان هراکلیتوس بود که کلیت اندیشه او را در نظر نگرفته بودند و بدین‌سان، او را به یک چهره «حس‌گرا» در تاریخ فلسفه، مبدل کرده بودند. این در حالی است که هراکلیتوس صراحتاً حواس را «گواهان‌بد» خوانده بود. این بی‌اعتنایی و بی‌اعتمادی به حواس، در نزد پارمنیدس شکل رادیکال‌تری به خود گرفت. چنانچه او حواس را «جاسوس‌های خائن» نامید. با این تفاسیل، او باید‌هر دوری آنها را «عقل‌گرا» دانست. به نظر می‌رسد، نمی‌توان تنابزه پاسخخی را به این پرسش داد. عقل گرا دانستن هر دو اگرچه لفظاً خطا نیست، اما باید معانی مختلف عقل‌گرایی را در نظر داشت تا آنکه اشتراک لفظ هرزن نشود. متأسفانه در زبان فارسی عقل‌گرایی هم برای اشاره به یهودیت) می‌توانند در فرآیند صلح برعهده گیرند» سخنرانی کرده و روز پس از آن در نشست شورای روابط اسلامی- آمریکایی به محوریت اشتراک گفت‌وگوی تمدن‌ها سخنرانی خود را ایراد می‌کند.

خاتمی در دانشگاه هاروارد

به نشست ائتلاف تمدن‌ها در نشست شورای روابط اسلامی آمریکایی در کلیسای جامع واشینگتن سخنرانی می‌کند. همچنین رئیس موسسه بین‌المللی گفت‌وگو فرهنگ‌ها و تمدن‌ها روز نیویورک شرکت می‌کند. ایده تشکیل گروه ائتلاف تمدن‌ها برای نخستین بار ماه سپتامبر سال گذشته از سوی نخست‌وزیر اسپانیا در مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک مطرح شد. این اتحاد قصد دارد به تهدیدهایی که از دیدگاه‌های خصمانه ناشی شده و باعث به‌وجود آمدن خشونت‌های گسترده در در راستای التیام یخبستیدن به این جدایی‌ها در میان تلاش‌های مختلف همکاری ایجاد کند. رویدادهای سال‌های اخیر بر حس گسترش این شکاف و فقدان درک دوجانبه میان جوامع اسلامی و غربی تأکید کرده است. ائتلاف تمدن‌های سازمان ملل تاکنون سه دیدار در اسپانیا، قطر و استرالیا برگزار کرده است. سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهوری سابق ایران پس از شرکت

خبرچین



موسی صدر قبل از اینکه یک رهبر موفق در لبنان در مبارزه با فقر، جهل و عقب‌افتادگی و رفع تبعیض در لبنان باشد، یک متفکر است. سخنران بعدی این نشست دکتر مهدی محقق بود که ضمن یادکردی از امام موسی صدر درخصوص برگزاری بزرگداشتی برای امام موسی صدر تأکید کرد و در خصوص رویکردهای عملی امام موسی صدر در کنار آرا و اندیشه‌هایش یادآور شد: امام موسی صدر اکثراً در بعد عمل مطرح می‌شود. فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی او بسیار برای ما مهم است اما باید توجه داشت که هر فردی وقتی دست به عمل می‌زند مجموعه‌ای باور و انگیزه دارد که موجب آن عمل می‌شود. در امام موسی صدر باید بر انگیزه‌ها و منظومه باورهایی که در ذهنیت او وجود داشت، تأمل کرد. اگر بر این امر مطالعه کنیم می‌توان به این نتیجه رسید که چرا این اعمال و رفتارها از امام موسی صدر صادر شد. وی درخصوص اهمیت مطالعه موردی در خصوص امام موسی صدر یادآور شد: به جای پرداختن به مسائل آکادمیک که بسیار در خصوص نظریه‌پردازی ضرورت دارد، گاهی لازم است ما به مطالعه موردی بپردازیم و به‌طور ملموس مسائلی را نشان دهیم. شخصیت امام موسی صدر نیز از جمله شخصیت‌هایی است که باید بر آن مطالعه موردی صورت بگیرد. از آن لحاظ که بدانیع که چه مبانی‌ای داشته و چه پیش‌فرض‌های هرمنوتیکی در ذهن او بوده که منجر به پیدایش چنین نظام معرفتی‌ای شده است و آن نظام معرفتی به انضمام انگیزه‌های مقدس او چنین اعمال و رفتاری را ایجاد کرده است.

صفحه حوادث روزنامه‌ها

غریزه زندگی نیست، چراکه نگرانی موجود در آن، نشان‌دهنده میل بشر به تداوم حیات و صیانت از نفس است. اگر بخواهیم تاملی انتقادی به جامعه داشته باشیم، صفحه حوادث موقعیت مناسبی برای ما فراهم خواهد کرد. صفحات روزنامه را می‌توان موقعیت‌ها، پیشرفت و آمآرها و ارقامی که در باب توسعه و تحول در جامعه داده می‌شود. در عین حال وجود صفحه حوادث پرملا کردن حقایق نهفته در جامعه و وجود گسست‌ها، پارگی‌ها، فقر و نابرابری است. در اینجا روزنامه واره‌های ایمازهای مدنی موردنظر بنیانمیر می‌توانند جرقه‌هایی برای ذهن‌های خلاق پدید آورند. ضرورتی ندارد چوان سوررئالیست‌ها یا دادانیست‌ها تکه‌های پراکنده روزنامه‌ها را به نحوی بهمگون یکپسجامن تا در نهایت مدتی متزلزل، سست، بی معنا و گسسته پدید آید. روزنامه‌ها مانند بسیاری از متون فنی جرقه‌های چند وجهی هستند. اما در منقش قرار گرفتن صفحه حوادث در کنار صفحه اجتماعی، سیاسی و اندیشه به آسانی راه را بر قرائت دوبل موردنظر دریدا فراهم می‌سازد. قرائتی که به جای آشکارسازی انسجام کلیت، گسست‌ها و پارگی‌ها را نمایش می‌دهد یا جرقه‌هایی بنیامینی که کلیت به‌ظاهر متجانس جامعه در حال پیشرفت را زیر سؤال می‌برد و راه را برای تاملی انتقادی تر هموار می‌سازد.

معمای ثبات

می‌توانند به «عقل کیهانی» (لوگوس) که واقعیت جهان بر آن استوار است، پی ببرند. به عبارت دیگر، آموزه‌های «وحدت در عین کثرت» و «ثبات در عین تغییر» رای هراکلیتوس حاصل قوه تعقل شهودی است و نه تعقل استدلالی. اما آیا پارمنیدس هم به واسطه عقل شهودی اندیشه فلسفی خود را بر پی‌ریزی کرده بود؟ به‌طور متعارف، نظر بر آن است که پارمنیدس تابع عقل استدلالی (reason) است و همو نخستین کسی است که قوانین و منطق حاکم بر این عین عل را کشف کرد: نخست، قاعده «ایمانی‌ها» که بیانگر این است که «هرچیزی، بالضرره، خودش است» و سپس، قاعده «امتناع تناقض» که حکایتگر این است که «محال است که چیزی غیر خودش باشد». در واقع، آموزه‌های «وحدت‌مطلق» و «ثبات محض» برای پارمنیدس با تکیه بر همین قوانین تعقل استدلالی به دست می‌آید که در آنها، او بانی فکر و تغییر در هستی، به شدت از فهم عرفی (common sense) دور می‌شود. استدلال او را می‌توان در نفی «کثرت» این چنین صورتبندی کرد: «هستی برای آنکه متکثر باشد، یا باید به واسطه هستی به کثرت درآید و یا به واسطه نامستی (نبیستی). اما از منضم شدن هستی بر هستی کثرتی حاصل نمی‌آید و از سوی دیگر، ناهستی هم اساساً نیست تا از منضم شدن آن بر هستی، وحدت هستی خللی یابد. پس هستی واحد است». اما انکار «تغییر» و ناممکن خواندن آن، از جانب پارمنیدس، معمای بغرنجی را برای فیلسوفان بعد از او پدید آورد. تغییر اگر به معنای تغییر هستی به هستی باشد، در واقع، تغییر نیست و همان ثبات است و اما اگر تغییر به معنای تغییر نیستی به هستی باشد، آن‌گاه چنین امری محال است و عقل از قبول آن امتناع دارد. پس هستی ثابت است. گفتنی است نشان دادن همگرایی بیشتر میان پارمنیدس و هراکلیتوس به مدد تفسیری، همچون تفسیر دایگر، ممکن است که سخنان پارمنیدس را با عقل‌گرایی استدلالی گره‌زنوده.
masoud@vivaphilosophy.com

آکادمی

مرگ شاعر



سیاوش جمادی: وقتی مر، در محاسن هنرش، سبک بی‌بدیل کارهایش، نقش تاریخ‌سازش در هنر این مرز و بوم سخن‌ها گفتند و قلمفرسایی‌ها کردند. وقتی مرد، روزنامه‌ها به نامش ویژه‌نامه‌ها نوشتند و در مراسم سوگش هنرمندان نامدار کوشیدند کوتاه اما موثر آثارش را ژرف‌کاری و واکاوی و واشکافی کنند. وقتی مر ناشرین و کنایفروش‌ها با فروش پوسترهای بزرگی از تصویرش هم به دخل خود رسیدند و هم به فرهنگ و هنر واز. شیدم که با مادر پیرش در یک حیاط کلنگی زندگی می‌کرده، نشانی را باقیمت. خانه‌ای. به‌دورت و توسری خورده و غمبار. سراغ آثارش را گرفت. اتفاقی نداشت. در آسپه‌خانه دودگرفته‌ای یکی از آن میزهای کوچک که طلبه‌ها استفاده می‌کنند در جای تنگی که گویی به‌هشت سوسک‌ها بود، اوراقی پراکنده، کاینبت زهواردرفته‌ای مایملک و مرده‌ریگ هنری‌اش بودند. مادرش اصلاً از سر جایش تکان نمی‌خورد مگر به زور عصایی مخصوص آن هم برای قضای حاجت. بوی ترشیدگی و نای زرخش‌ناش هم‌جا را بر کرده بود و معلوم بود از این بابت خجالت می‌کشید. کنار دستش یک اسپری معطر بود که گویا فروخته نکرده بود قبل از ورود من آن را به رختخواب بزند. آیا تنها با این پیرزن زمین گیر می‌زیست. از یکی باید می‌پرسیدم. چطور می‌توانست هم این علیل زمین گیر را که ظاهراً خیلی هم حرف و بهانه‌گیر بود تر و خشک کند و هم آثاری که می‌شناسیم خلق کند؟ می‌دانستم که آنجا که استفاده یک زمانی پر از جای‌ها، خنده، گریه و آمد و رفت بوده؛ همه مرده بودند جز این پیرزن و برادری که قرار بود هم‌زمان با آنجا باشد. سه برادر او مرده بودند. یکی خوابیده بود و دیگر بلند نشده بود. یکی دیگر خود را کشته بود و سومی هم همین آخری که در اثری خونریزی عیله- که- کاملاً می‌توانست درمان‌پذیر باشد- در تنهایی جان سپرده بود. پدر خانواده یک معلم تبعیدی بود که هرگز نتوانست با زنش یعنی همین پیرزن حاضری یک روز بودن شکمشک سر کند. از پی یکی از این شکمشک‌ها از خانه زده بود و پیرزن و نیمه‌شب برگشته بود. دزدان همه چیزش را زده بودند و خودش را کیف نیمه‌جان و آتش و لاش کرده بودند. بدون اینکه یک کلمه با کسی هم‌صحبت و بلندرفته بود توی همین آسپه‌خانه و به پشت خوابیده بود. می‌گویند اشعار خودش را در همان حال با لحن شرهه جاسوزنی می‌خوانده و سپس خاموش شده؛ دمدام صبح دیگر نه می‌دانسته که پیروم برای همیشه از آژاره‌ای بی‌امان زنش خلاص شده است. او رسید. خودش کلید داشت. آمد. تو گفتیم: «درباره او این روزها به اندازه موه‌ای سرم مطلب خوانده‌ام. آدم‌ام از تو هم چیزی بشنوم.» می‌خواست دست به سرم بده. حال و حوصله این حرف‌ها را نداشت. گفت: «فلاخودم هزارتا مشکل دارم. تان عروم زنده بود، دست کم این پیرزن سرپرستی‌ها، حالا او بیخ ریش من است. نه پول خانه سالمندان دارم، نه او از اینجا جنب می‌خورد و نه من بخت برگشته از عهده‌اش برمی‌آیم.» بعد مثل چیزی که از پیرزن می‌ترسید در گوش گفت: «او از سرخروهاست. چه‌اژتا را زیر خاک کرده. حالا نوبت من است.» شاید فکر می‌کرد کمکی از من ساخته است چون بعدش شروع کرد به درددل. اسمی هم از برادر مرحومش نمی‌آورد جز اینکه «ای کاش من به جای او رفته بودم.» از فرصت سوءاستفاده کردم. گفتیم: «می‌خواهم از تو هم چیزی درباره او بشنوم.» کارش، هنرش، افکارش، عاداتش. «آنهاک گفت: «در دو کلام بگویم. همیشه گرسنه بود و نگران روز بعد.» هیچ کسی این را نگفته بود.



محاکمه

روسیه و جهان اسلامی

پنجاهیه گذشته نشست سه روزه روسیه و جهان اسلام با حضور شخصیت‌های سیاسی و دینی از روسیه و چندین کشور اسلامی با هدف تقویت گفت‌وگو و حمایت از جهان چندقطبی در مواجهه با قدرت آمریکا آغاز شد. به گزارش مهر به نقل از خبرگزاری فرانسه، منتیمیر شاییمف رئیس‌جمهوری تاتارستان درامساجد انتتاجیه این همایش گفت: ارزش‌ها را نمی‌توان با زور و قدرت تحمیل کرد. نمونه عرق نشان داده است که دموکراسی در نتیجه توسعه اقتصادی می‌دهد. وی افزود: ارزش‌های لیبرال را نمی‌توان چون اتیوخ‌ریخ صادر کرد. یک جهان چند قطبی بدون نظام هماهنگ‌کننده به تنش و جنگ داخلی منتهی می‌شود. نمایندگان چند کشور اسلامی ایران، عربستان و کویت در این همایش در شهر غازان پایتخت تاتارستان شرکت کردند و به اظهارات برجگی پریماکوف از مسئولان سیاسی سابق روسیه که دیپلمات باخجریه و از کارشناسان برجسته خاورمیانه محسوب می‌شود گوش فرادادند. رامیل یوسفوف امام مسجد قل شریف در غازان که دارای عنوان بزرگترین مسجد اروپا است این نشست را به‌منظور همه به نقدان درک میان مغرب و شرق توصیف کرد و گفت: این همایش باید ماهیت اسلام را به زبان اروپاییان برای خود آنها توضیح دهد تا آن را درک کنند. روسیه علاوه‌براین که از لحاظ تاریخی از چندین کشور اسلامی روابط نزدیکی دارد، دارای ۲۰ میلیون مسلمان است و در سال ۲۰۰۵ به جایگاه نافر در سازمان تفراترانس اسلامی دست یافت. عین‌الدین راوی رئیس شورای مفتیان روسیه گفت: روسیه به‌عنوان یکی از اعضای شورای امنیت سازمان ملل می‌تواند به نحو فعالی از حقوق مسلمانان حمایت کرد و از تصویب قوانین علیه مسلمانان مناعت به عمل آورد.

کارگاه‌های اپنرنتی فلسفه برای کودکان گروه فلسفه برای کودکان و نوجوانان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در نظر دارد از اواسط مهرماه به‌منظور آموزش مهارت‌های برنامه «فلسفه برای کودکان و نوجوانان» کارگاه‌های اپنرنتی تشکیل دهد. به گزارش مهر، این کارگاه‌ها می‌توانند مورد استفاده آموزگاران و سایر علاقه‌مندان به تدریس برنامه فلسفه برای کودکان قرار گیرند. گروه فلسفه برای کودکان و نوجوانان پیش از این با انتخاب بخشی از کتاب شاهزاده کوچولو نوشته استر گودفری اقدام به تشکیل یک کارگاه کوچک فلسفه برای کودکان کرده‌اند. این کارگاه به‌صورت آزمایشی در سطحی محدود برگزار می‌شود و افرادی که در این زمینه مهارت‌های لازم را کمپب کنند می‌توانند در کلاس‌های مربوط به آموزش کودکان و نوجوانان شرکت داشته باشند.

خبرچین